

بررسی ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران در راستای امنیت و قدرت ملی با تاکید بر خلیج فارس

حیدر لطفی^۱، عزت‌اله میرعرب رضی^۲، محمد احمدپور لشکامی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۶، تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۳/۱۹)

چکیده

در تعریف موقعیت راهبردی گفته‌اند که موقعیتی است که به دارنده آن مزایای قاطع سیاسی، اقتصادی و نظامی در برابر رقیب یا رقیب اعطا می‌کند. جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلف مانند قرار گرفتن در آسیای غربی و داشتن بیشترین مرز با خلیج فارس و تنگه راهبردی هرمز و قراردادن در حلقه پیوند مناطق آسیای جنوبی، آسیای مرکزی، قفقاز، شرق مدیترانه و خلیج فارس، داشتن منابع معدنی ارزشمند از جمله نفت و گاز و مس و غیره دارای یک موقعیت ویژه راهبردی است. موقعیت راهبردی زمانی بیشترین نفع را به یک کشور می‌رساند که آن کشور واقعاً مستقل بوده و با برنامه‌ریزی‌های هدفدار و زمان دار این موقعیت را به وسیله‌ای برای افزایش قدرت بین‌المللی خود تبدیل کند؛ امری که در کشور ما تنها پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاده است. در این پژوهش ابتدا به عناصر مهم و تاثیرگذار در اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که جنبه جغرافیایی دارند اشاره گردیده و سپس بعد از نگاهی به گذشته که حاوی درس‌هایی ارزشمند برای ماست، پیشنهادهایی برای بهره‌گیری کامل تر و علمی‌تر از این عناصر داده شده است.

واژه‌های کلیدی: ایران، خلیج فارس، موقعیت راهبردی، ژئوپلیتیک، اقتدار بین‌المللی.

۱- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

مقدمه

کشور ما تا سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی دچار یک تحول بنیادی در زمینه‌های مختلف گشت. امروزه پس از گذشت ۳۶ سال، همگان از نتایج این انقلاب و پیشرفت‌های واقعی آن آگاهند، در عین حال، قدرت و اقتدار بین‌المللی ایران در عرصه جهانی، همواره باید راه رشد و تعالی را طی و پایگاه‌های جدیدی را وارد اردوگاه خود نماید. با در نظر گرفتن اهمیت موضوع این پژوهش به بررسی ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران در راستای امنیت و قدرت ملی با تاکید بر خلیج فارس می‌پردازد و با برشمردن عناصر ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران، پیشنهادهایی را برای بهره‌گیری دقیقتر و راهبردی از این عناصر مطرح ساخته است.

جغرافیای سیاسی جمهوری اسلامی ایران

در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، تاثیر عناصر مختلف جغرافیائی مورد توجه قرار می‌گیرد. در اینجا به پنج مورد از مهم‌ترین این عناصر، که بر جنبه‌های خارجی سیاست در کشور ما تاثیر دارند، اشاره می‌شود.

۱- **علت وجودی:** تعدادی از جغرافیدانان سیاسی معتقدند که در بررسی جغرافیای سیاسی کشورها باید به علت وجودی آنها هم اشاره نمود. علت وجودی به این سؤال پاسخ می‌دهد که از نظر دولت و مردم یک کشور، چرا باید آن کشور بر روی نقشه جهان وجود داشته باشد؟ آنها اگر نتوانند علت وجودی مستدلی بیان کنند ممکن است کشورشان در مقابل چالش‌ها و امواج مخالف داخلی و خارجی تاب مقاومت نیاورده و از پای درآید. داشتن علت وجودی قوی و منطقی نیز در صورتی که شرایط دیگر مانند استقلال سیاسی وجود داشته باشد باعث اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد. مهم‌ترین عناصر علت وجودی معمولاً از فرهنگ، هویت و تاریخ مشترک می‌آید. جمهوری اسلامی ایران کشوری است با تاریخ و فرهنگ و هویت هزاران ساله دین مبین اسلام، مذهب شیعه، زبان فارسی و تاریخ طولانی باعث شکل گرفتن یک فرهنگ و هویت متحد و مقتدر در سرزمین ایران گردیده و این امر با ظهور انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز اقتدار بین‌المللی برای کشور ما گردیده است.

۲- **موقعیت‌های پنج‌گانه:** در بررسی جغرافیای سیاسی کشورها به پنج موقعیت اشاره می‌شود. در اینجا وضعیت کشور ما از نظر موقعیت‌های پنج‌گانه بررسی می‌شود:

موقعیت ریاضی- جمهوری اسلامی ایران از نظر موقعیت ریاضی بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی و ۴۴ درجه و ۲ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۹ دقیقه طول شرقی قرار

گرفته و بنابراین در منطقه معتدل زمین (مایل به گرم) واقع شده و هرچه از جنوب به سمت شمال برویم از شدت گرمای آن کاسته می‌شود.

موقعیت نسبی - جمهوری اسلامی ایران با هفت کشور مرز خشکی و با تعدادی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و نیز کشورهای حاشیه خلیج فارس مرز دریائی دارد.

موقعیت دریائی - جمهوری اسلامی ایران ۶۵۷ کیلومتر در دریای خزر، ۷۸۴ کیلومتر در دریای عمان و ۱۲۵۹ کیلومتر در خلیج فارس مرز دریایی دارد. در مورد اهمیت این موقعیت و لزوم توجه به راهبرد دریایی با توجه به این که دو سوم زمین را آب فرا گرفته است.

موقعیت مرکزی - ایران به دلیل قرار گرفتن بین کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و خلیج فارس و همچنین قرار داشتن بین قاره‌های آسیا و اروپا و اینکه کوتاه‌ترین مسیر برای عبور راه‌های شوسه و راه آهن راهبردی از شمال به جنوب و نیز عبور لوله‌های نفت و گاز آسیای مرکزی به اروپاست و راه آهن کشور می‌تواند آسیای جنوبی و شرقی را از یکسو به اروپا و از دیگر سو به خلیج فارس وصل کند، دارای یک موقعیت خاص مرکزی و در نتیجه راهبردی است (هر موقعیت مرکزی موقعیت راهبردی نیز هست).

موقعیت راهبردی - همانطور که پیش از این آمد، موقعیت راهبردی موقعیتی است که به دارنده آن مزایای قاطع سیاسی، اقتصادی و نظامی در برابر رقیب یا رقبا اعطا می‌کند. جمهوری اسلامی ایران بدلائل متعدد از جمله قرار گرفتن در یک جغرافیا و موقعیت خاص (که پیش از این بیان شد) و قرار داشتن در منطقه‌ای دارای اهمیت و حساسیت جهانی (با توجه به نیاز غرب به نفت منطقه و نیازهای امنیتی آمریکا برای رژیم صهیونیستی و رژیم‌های وابسته و مرتجع عربی) و داشتن منابع غنی نفت، گاز، مس و غیره و اخیراً کشف منابع اورانیوم، دارای موقعیت خاص راهبردی است.

قرارگرفتن در تمام سواحل شمالی خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان و داشتن جزایر با اهمیت که مانند ناوگان ثابتی از مرزهای جنوبی کشور دفاع می‌کنند (برخی مانند لارک و هرمز در درون تنگه و برخی مانند تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی در دهانه ورودی خلیج فارس و برخی مانند خارک که دارای بزرگترین اسکله نفتی جهان است)، به اهمیت این موقعیت بسیار می‌افزاید.

۳- مساحت: اهمیت مساحت در جغرافیای سیاسی نسبی است و باید با توجه به سایر عناصر مورد توجه قرار گیرد. یکی از جغرافیدانان سیاسی به نام پاندز کشورها را از نظر مساحت در هشت دسته خیلی عظیم، عظیم، خیلی بزرگ، بزرگ، متوسط، کوچک، خیلی کوچک و ذره‌ای قرار داده است. کشورهای خیلی عظیم بیش از ۶ میلیون و کشورهای ذره‌ای کمتر از ۲۵۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارند. بیشتر کشورها در دسته‌های متوسط، کوچک، خیلی کوچک و ذره‌ای قرار می‌گیرند.

مساحت معمولاً دارای تاثیراتی بر موقعیت، راهبردها و میزان و تنوع منابع معدنی است. اثرات مثبت مساحت زیاد در شرایط جنگی نیز معلوم است. به علاوه اینها، در مساحت‌های اندک، معمولاً ایجاد تصور تشکیل اقتدار بین‌المللی در نخبگان و مردم ضعیف است و این گونه دولت‌ها ممکن است به قدرت‌های فرامنطقه‌ای وابسته شوند. ایران کشوری است با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت در دسته بندی بالا در گروه کشورهای خیلی بزرگ قرار می‌گیرد. این مقدار مساحت حدود ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع از فلات ۲۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربعی ایران را در بر گرفته است.

۴- منابع معدنی: از این نظر ایران یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان است. تاکنون وجود منابع سنگ آهن، ذغال سنگ، کرومیت، منگنز، سرب، روی، گوگرد، طلا و مهم‌تر از آنها نفت، گاز، مس و اورانیوم در کشور آشکار است. بهره‌برداری کافی و برنامه‌ریزی شده از این منابع و صرف منابع به دست آمده در پیشرفت کشور، می‌تواند در ارتقای روزافزون اقتدار بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران مفید واقع شود.

فاصله گرفتن تدریجی از اقتصاد نفتی و بکارگرفتن منابع ناشی از فروش نفت و گاز در پیشرفت علمی فناوری و بهبود شرایط اقتصادی کشور، می‌تواند یکی از راه‌های مناسب برای ارتقای قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان باشد. ایران از نظر میزان منابع گاز طبق آمارهای منتشره جدید رتبه اول جهانی و از نظر منابع مس رتبه سوم را داراست. با توجه به رده ایران در منابع گاز، ایفای نقش بهتر در اوپک گازی در آینده و تلاش برای بالا بردن نقش این نهاد تازه‌تأسیس نباید از نظرها دور بماند.

الف) وضعیت ژئوپولیتیک شرق کشور

ایران و افغانستان ۹۴۵ کیلومتر مرز مشترک دارند. استان‌های مجاور مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران امروزه شاهد تهدیداتی چون جرایم سازمان‌یافته مانند قاچاق مواد مخدر و تسلیحات، مهاجرت‌های غیر قانونی، ورود کالاهای ممنوعه، ناامنی نواحی مرزی و حمله به پاسگاه‌های مرزبانی و نیز تهدیدات نرم‌افزاری، قومی، نژادی، مذهبی و... هستند که می‌تواند امنیت ملی کشورها را به مخاطره اندازد (جانعلی‌پور، ۱۳۸۷: ۷). تاکنون اختلافی بر سر خط مرز دو کشور بروز نکرده است، ولی اختلافات بر سر تقسیم آب هیرمند همچنان باقی است. گاهی اوقات برای دسترسی به آب هیرمند اختلافاتی بروز می‌کند که منجر به مذاکرات دو جانبه می‌شود، به‌طوری‌که ۱۲ مورد بحران دیپلماتیک و ۲۷ مورد مذاکره دوجانبه برای حل‌وفصل آن سبب شده است. بین ایران و افغانستان، اختلاف ارضی کوچکی در منطقه اسلام‌قلعه وجود دارد که هنوز بدون حل باقی مانده است.

۱- الف) عوامل مؤثر در کارکرد مرز و روابط دو دولت ایران و افغانستان

- کارکرد مرز و روابط ایران و افغانستان تحت تأثیر عوامل زیر قرار دارد:
۱. نظام‌های سیاسی حاکم بر دو کشور و الگوی رابطه بین آنها؛
 ۲. الگوی روابط دولت‌های دو کشور با دولت‌های دیگر در مقیاس منطقه‌ای و جهانی؛
 ۳. وجود یا عدم وجود دولت فراگیر و پاسخگو در افغانستان؛
 ۴. محصور بودن افغانستان در خشکی و نیاز به موقعیت گذرگاهی ایران؛
 ۵. موقعیت گذرگاهی ایران در مسیر عبور مواد مخدر از افغانستان به اروپا؛
 ۶. ساختار جغرافیایی و طبیعی مرز، بویژه توسعه نیافتگی و فقر عمومی مناطق مرزی در دو کشور؛
 ۷. ساختار انسانی و پیوندهای فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی ساکنان دو طرف مرز؛
 ۸. نیاز ایران به آب هیرمند؛
 ۹. اهل سنت در ایران و شیعیان و تاجیکی‌ها در افغانستان؛
- ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی در مسیر مبدأ و مقصد مواد مخدر (افغانستان و اروپا) قرار گرفته است. افغانستان به عنوان کانون فشار، آوارگان، مواد مخدر، ناامنی و غیره آن را از طریق مرز به داخل ایران تزریق کرده است. مرز ایران و افغانستان بحرانی‌ترین مرز کشور بوده و هزینه‌ها و آسیب‌های فراوانی به ایران وارد کرده است که ۵/۲ میلیون آواره و ۵/۲ میلیون معتاد یکی از ابعاد هزینه‌های آن است (حافظنیا، ۱۳۸۳: ۷۱ - ۷۷).

ب) وضعیت ژئوپولیتیک غرب کشور

آذربایجان: آذربایجان در شمال غربی ایران یکی از مناطق حساس و مرتفع است. مجاورت با همسایگان (جمهوری آذربایجان، ترکیه و عراق) و وجود عوارض حساس و پر اهمیت در مجاورت این منطقه چه در داخل و چه در خارج، آن را از نظر عملیات نظامی فوق العاده با ارزش کرده است. به علاوه ملاحظه می‌شود که معابر مهم آسیا و اروپا، یعنی کلیه خطوط مواصلات روسیه و جمهوری آذربایجان از سمت شمال و خطوط ارتباطی دریای سیاه و ترکیه از طرف غرب در این منطقه متمرکز و به هم گره خورده و یک مرکز مواصلات مهم را در قسمت شمال غربی ایران به وجود می‌آورد. (عزتی، ۱۳۶۸: ۳۱).

کردستان: اولین و نگران‌کننده‌ترین منطقه از نظر حاکمیت گذشته، کردستان بود. جالب آنکه اولین جمعیت کردی در ایران که طلب خودمختاری می‌کردند (یعنی جمعیت رستاخیز کرد، سال ۱۳۱۹) از جانب کردهای عراقی (حزب هیوا) تقویت می‌شدند. جمعیت رستاخیز کرد، حزب دمکرات کردستان و جمهوری خودمختار کردستان به مرکزیت مهاباد ثمره تسلط قوای اتحاد

جماهیر شوروی در شمال ایران بود. بنابراین کشیده شدن دامنه شورش کردهای عثمانی به ایران با تسلط کمونیست‌ها به شمال غربی کشور و اوضاع و احوال بین‌المللی زمینه واگرایی منطقه‌ای را در کردستان ایران فراهم کرد. بدین ترتیب کردستان اولین و نگران‌کننده‌ترین منطقه واگرا در دوران پهلوی شد.

موقعیت مرزی کرمانشاه با عراق طوری است که از یک سو (شرق) متکی به ارتفاعات متوالی و منظم است و از سوی دیگر (غرب) به جلگه کم عارضه و بلامانع بین‌النهرین اتکا دارد. به همین علت بین این دو عارضه متفاوت جغرافیایی یک منطقه واسطه به چشم می‌خورد که مجموعه‌ای است از تپه ماهورها و ارتفاعات منفرد و نامنظم به نحوی که در ناحیه بین قصر شیرین تا سومار این ارتفاعات واسطه تا داخل خاک عراق هم ممتد هستند. دیگر از ویژگی‌های عملیاتی این بخش واسطه این است که به راحتی می‌توان از آن به داخل عراق نفوذ کرد. به طور کلی مشکل مرز به نحوی است که یک مبدأ عملیات تعرضی خوبی به طرف غرب محسوب می‌شود (عزتی، ۱۳۶۸: ۶۷).

ج) وضعیت ژئوپولیتیک شمال کشور

در قرن بیستم و بعد از دو جنگ جهانی، نهضت‌های جدایی طلب که مورد حمایت شوروی قرار داشت، در گیلان، کردستان و آذربایجان ظهور کرد. در واقع این جنبش‌ها عمده‌ترین تهدید نسبت به تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شدند (احمدی پور، ۱۳۷۹: ۱۱). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به حوزه دریای خزر به عنوان منبع عظیم انرژی جلب و زمینه برای رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه هموار ایران شد، پس از شوروی دارای موقعیت ژئوپولیتیکی جدیدی در منطقه دریای خزر شد که موقعیت امنیتی آن را دست خوش تحول کرد.

ایران از جمله کشورهای منطقه است که بر پایه حضور طبیعی خود در منطقه دریای خزر سهم عمده‌ای را در بازرگانی و ژئوپولیتیک منطقه‌ای این دریا بر عهده دارد. موقعیت جغرافیایی ممتاز ایران در منطقه (به عنوان حائلی میان دو انبار انرژی سده حاضر، یعنی خزر و خلیج فارس) که ایالات متحده آمریکا می‌کوشد تا آن را به کنترل خود درآورد، به گونه عامل مهمی در می‌آید که بر روابط خارجی و منطقه‌ای این کشور اثر می‌گذارد. حضور و نفوذ ایالات متحده آمریکا در کنار مرزهای شمالی ایران، خود به خود یک عامل منفی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. مجموعه فعالیت‌های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در حوزه خزر از جمله مهم‌ترین آنها، یعنی تلاش جهت انزوای ژئوپولیتیکی ایران و عبور لوله‌های نفت و گاز از محور شرق به غرب و حضور مستقیم نظامی در حوزه خزر، که برای رسیدن به این هدف ایالات متحده آمریکا

با جمهوری‌های تازه استقلال یافته همکاری گسترده دارد. تهدیدات امنیتی زیر را برای ایران به دنبال خواهد داشت:

۱- گسترش ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی و قفقاز به سوی محور شرق به غرب و کاهش ارزش ژئوپلیتیکی ایران، زیرا با توجه به مبانی و اصول ژئوپلیتیک می‌تواند موجب قدرتمندی دولت‌ها شود و به آنان امکان دهد تا نقش اساسی و بارز در صحنه سیاسی جهان بازی کنند.

۲- تسلط ایالات متحده آمریکا بر منابع نفت و گاز حوزه خزر، وابستگی آن کشور به اوپک و جمهوری اسلامی ایران را کاهش خواهد داد.

۳- با عدم عبور لوله‌های نفت و گاز از سرزمین ارزان، کوتاه و امن ایران، دستاوردهای زیر محو یا تقلیل خواهد یافت:

الف. اتفاق نظر بیشتر و حل و فصل منازعات؛

ب. محدود شدن نفوذ طرف‌های سوم؛

ج. کاهش هزینه‌های نظامی و به کارگیری آن هزینه‌ها برای توسعه پایدار؛

د. همکاری‌های زیست‌محیطی و حفظ اکوسیستم دریای خزر؛

هـ. تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و حل مشکلات مرزی؛

۴- نادیده گرفتن ملاحظات اقتصادی و زیست‌محیطی، و عبور لوله‌های نفت و گاز از کف دریای خزر فاجعه بار خواهد بود. مهم‌ترین زیان‌های زیست‌محیطی آلودگی نفتی دریای خزر به شرح ذیل است:

الف. افزایش بیماری‌های خونی، سرطان، سل، و انواع حساسیت‌ها در شهرهای ساحلی؛

ب. نابودی آبزیان دریایی؛

ج. ایجاد اختلاف بین کشورهای ساحلی برای اختصاص بودجه و مسوولیت پذیری جهت مهار فاجعه زیست‌محیطی.

۵- حضور ایالات متحده آمریکا در حوزه دریای خزر زمینه را برای حضور شرکت‌های تجاری وابسته به اسرائیل نیز در منطقه فراهم می‌سازد که می‌تواند در پوشش این شرکت‌ها امنیت ملی ایران را نیز تهدید کنند.

۶- حضور و ورود شرکت‌های آمریکایی و متحدین آنها از جمله ترکیه و اسرائیل، فرهنگ مصرف‌گرایی و غربی را در کنار مرزهای مشترک ما رونق خواهد بخشید که خود تهدیدی برای ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی است.

۷- با توجه به حضور قومیت‌های مختلف در دو سوی مرزهای شمال جمهوری اسلامی ایران، حضور ایالات متحده آمریکا می‌تواند تهدیدی بالقوه برای بروز و ظهور بحران‌های قومیتی باشد.

در حالی که ایالات متحده توانسته است در خلیج فارس حضور چشمگیری پیدا کند، می‌کوشد پای ناتو را به دریای خزر بکشد و دست شرکت‌های نفتی و گازی آمریکایی را در اکتشاف و استخراج و صدور منابع کمیاب انرژی باز نگاه دارد. در واقع ایالات متحده آمریکا با حضور در منطقه حساس و استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز، در قالب ناتو با قراردادهای اقتصادی و سیاسی، قصد دارد بر این منطقه غنی مسلط شود و علاوه بر بهره‌گیری اقتصادی همزمان ایران، روسیه و چین را مهار کند. حضور ناوهای جنگی ایالات متحده آمریکا و ناتو در دریای خزر به بهانه‌های گوناگون از جمله حراست از لوله‌های نفت و گاز به طور مستقیم امنیت ملی ما را با خطر مواجه خواهد کرد.

تولد کشورهای جدید در مرزهای شمالی ایران، این کشور را قادر ساخته تا هدف خود را در زمینه بازگشت به جامعه بین‌المللی تعقیب و همکاری منطقه‌ای در جهت مقابله با سلطه آمریکا را ترغیب و نیز موقعیت خویش را به عنوان قدرت منطقه‌ای تثبیت نماید (احمدی پور، ۱۳۷۹: ۱۶). تهدیدهای قومی در مرزهای شمال ایران نیز در قالب تحولات جدید، پتانسیل ایجاد تغییرات ژئوپولیتیک را دارند. تحرکات قومی این حوزه که به لحاظ تاریخی در پیوند با ملیت ترک کشور آذربایجان فعال شده است در قالب طرح خاورمیانه بزرگ فضای مناسب‌تری برای رشد دارد. در طرح خاورمیانه بزرگ اهمیت آسیای مرکزی از هر دو بعد ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک در پیوند با ماهیت دولت‌های خاورمیانه معنا می‌یابد. از جنبه ژئواکونومیک کشورهای آسیای میانه پل ارتباطی انرژی خاورمیانه با دول غرب هستند. از جنبه ژئواستراتژیک اهداف امنیتی نظام بین‌الملل جدید معطوف به حساس کردن مسائل مشترک با دولت‌های همجوار خاورمیانه است. در این مورد به طور خاص همجواری ایران با آذربایجان و حساس کردن مسائل قومی آن مورد نظر است. در نگرش جدید، آذربایجان به عنوان پایگاه امنیتی قدرت‌های بزرگ قادر است با تحریک مسائل قومی در مرزهای مشترک خود با ایران، این کشور را در معرض تهدیدهای ژئوپولیتیکی قرار دهد. هر چند تصور تغییرات مرزی در این حوزه مانند دو حوزه دیگر حداقل در کوتاه مدت دور از ذهن است با این وجود تهدید به تغییرات مرزی و زنده نگهداشتن پتانسیل شورش‌های قومی به نوعی اقدامی تأمین‌کننده در برابر ایران محسوب می‌شود (افضلی، ۱۳۸۵: ۱۶۶).

جمهوری اسلامی ایران بایستی این اصل مهم را در استراتژی ژئوپولیتیکی خود در مرزهای شمالی دنبال نماید که اگر منطقه نیاز به امنیت و ثبات دارد، این امنیت باید فراگیر بوده و برای تمامی کشورهای منطقه مطرح باشد. این امر که امنیت در محدوده‌ای برقرار شود تا قدرت‌های پیرامونی و مداخله‌گر در سایه برقراری ثبات بتوانند به سرمایه‌گذاری و استحصال منابع معدنی اقدام نمایند، نبایستی از طرف جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شود. امنیت برای تمامی کشورهای منطقه بایستی تضمین‌کننده سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی باشد (احمدی پور، ۱۳۷۹، ۱۷).

د) وضعیت ژئوپولیتیک جنوب کشور



نقشه شماره ۱: نقشه ژئوپلیتیکی جنوب کشور

خلیج فارس تنها دریای آزادی است که ایران را با دنیا از راه آب مربوط می‌سازد و سرتاسر سواحل شمالی آن در قلمرو کشور ایران است، از این لحاظ شناسایی کامل آن برای ما کمال اهمیت را دارد. موقعیت خلیج فارس به نحوی است که در کلیه استراتژی‌های غرب و شرق به نحوی این آبراه بزرگ دریایی خودنمایی می‌کند، پس شناخت آن و بهره‌برداری صحیح از امکانات نظامی و اقتصادی آن رابطه مستقیمی با ثبات سیاسی و امنیت کشور ما دارد. خلیج فارس دریای کم عمقی است که در حاشیه غربی اقیانوس هند واقع شده و بین شبه جزیره عربستان و جنوب ایران قرار دارد. مساحت آن حدود ۲۳۹۰۰۰ کیلومتر مربع است، طول آن از دهانه اروند رود تا تنگه هرمز که به دریای عمان می‌پیوندد قریب ۱۳۷۵ کیلومتر و عرض آن بین ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر متغیر است. عمیق‌ترین محل در قسمت جنوبی تنگه هرمز نزدیک رأس‌المسندم ۱۸۲ متر است، عمق متوسط خلیج فارس ۲۵ متر است (عزتی، ۱۳۶۸: ۹۷-۹۷).

د-۱) اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران

خلیج فارس، با ۵۶۵ میلیارد بشکه نفت خود که معادل ۶۳ درصد کل ذخایر نفتی شناخته شده جهان است، ۳۰/۷ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی که برابر ۲۸/۵ درصد کل ذخایر شناخته شده گاز دنیاست، بی‌تردید بزرگترین و مهم‌ترین انبار انرژی جهان محسوب می‌شود. این موفقیت برای دهه‌های طولانی در قرن آینده دوام خواهد داشت. عامل عمده‌ای که نفت و گاز خلیج فارس را برای ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن بسیار حیاتی می‌سازد، دشواری بسیار در جایگزین ساختن نفت و گاز وارداتی منطقه توسط منابع دیگر انرژی مانند زمین، خورشید، دریا و هیدروژن است» (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

در سال‌های اخیر علی‌رغم داغ‌شدن موضوع لوله‌های نفت در این منطقه به کناره‌های دریای سرخ، این منطقه همچنان اهمیت سیاسی و اقتصادی و ترانزیتی خود را در سطح بالایی حفظ کرده است. «همان‌گونه که خون در آب‌های دریا کوسه‌ها را برمی‌انگیزاند، بوی نفت هم شرکت‌های انحصارگر را به سوی خاورمیانه کشاند، روشن بود که نفت، سرزمین‌های جنوب خلیج فارس را هم بیش از پیش به گردباد بازی‌ها و هم‌آوردی‌ها سیاسی امپریالیسم گرفتار خواهد کرد» (عبدالله-خانی، ۱۳۸۳: ۱۱).

موقعیت ویژه خلیج فارس از نظر دارا بودن ذخایر غنی نفت و گاز و هم‌چنین موقعیت استراتژیک و اهمیت آن به عنوان یک بازار مطلوب اقتصادی، تغییر و تحولات سیاسی سال‌های اخیر منطقه که متکی بر ایدئولوژی اسلامی است و بسط و حرکت آن در کشورهای منطقه توجه جهان را به شدت به این منطقه معطوف داشته است.

خلیج فارس پس از جنگ جهانی دوم نقش مؤثری را در اقتصاد جهان ایفا کرده است. چرخ صنایع مدرن پس از انقلاب صنعتی از اروپا و ژاپن گرفته تا آمریکا توسط نفت خلیج فارس به گردش درآمده است. نظام اقتصادی غرب با کمک نفت کشورهای این منطقه توانسته به پیشرفت و تکنولوژی امروزه برسد. علاوه بر این شرکت‌های عظیم نفتی به ویژه شرکت‌های آمریکایی با توجه به ضعف کشورهای این منطقه و تسلط بر منابع نفتی آن‌ها سودهای هنگفت و کلانی را به دست آورده‌اند. در پی جنگ جهانی دوم و بالا گرفتن خسارات و هزینه‌های جنگ و نیز گسترش سلطه آمریکا در عرصه جهانی لزوم توجه به این منطقه در دستور کار سیاست‌مداران واشنگتن قرار گرفت. «در اوایل دوران صنعتی شدن و تا نیمه دوم قرن بیستم به تدریج نقش نفت در تأمین انرژی جهان افزایش یافته است و اینک مقام اول را در تأمین امنیت انرژی جهان داراست» (شورای غیردولتی روابط خارجه موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲: ۱۱).

د-۲) منابع ناامنی ایران

با توجه به آن‌چه از قبل پیرامون ویژگی‌ها و مشکلات ساختاری کشورهای حوزه خلیج فارس مطرح شد تا حدودی به مشکلات امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است. در این بخش سعی در اشاره به منابع ناامنی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دو رویکرد منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود.

د-۲-۱. منطقه‌ای

فقدان مشروعیت داخلی و در نتیجه ضعف داخلی کشورهای جنوبی خلیج فارس و عدم اتکای آن‌ها به ملت‌هایشان از دو جهت منجر به آسیب‌وارد شدن به کشورهای منطقه می‌شود. اول این که زمینه‌های همکاری و همگرایی را از بین می‌برد و باعث دور افتادن کشورها و موضع‌گیری در مقابل یک دیگر می‌شود. دوم این که موجب حضور کشورهای قدرت‌مند برای برقراری امنیت و پر کردن خلأ قدرت در این منطقه می‌باشد. این امر باعث شد که: «در میان مناطق جهان سوم، در دوران پس از جنگ جهانی دوم، تنها منطقه‌ای که با توجه به توانایی‌های بالقوه داخلی به شدت تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی بین‌المللی قدرت‌های بزرگ باقی ماند، خاورمیانه بود» (سریع‌القول، ۱۳۸۴: ۳۸). نبود مشروعیت داخلی به بی‌ثباتی سیاسی می‌انجامد و بی‌ثباتی سیاسی به اختلافات میان کشورها دامن می‌زند و در نتیجه بازتاب منطقه‌ای، احساس ناامنی شدید را در پی دارد. احساس ناامنی دو نتیجه بسیار منفی و بلندمدت بر رشد و توسعه سیاسی اقتصادی منطقه می‌گذارد:

اول - مسابقه تسلیحاتی؛ و دوم - حضور نیروهای بیگانه برای ایجاد امنیت.

«در خلیج فارس، امنیت و مشروعیت حوزه قدرت به قدری به دنیای بیرون از مرزها وابسته است که هر روز جابه جایی قدرت و تغییر ماهیت و جهت‌گیری‌ها تابع منافع بین‌الملل است. عامل بیرونی با استفاده از ضعف داخلی، نقاط اختلاف را تشدید می‌کند و سیاست در خاورمیانه را هم سو با منافع بین‌المللی و نه منافع کشورهای منطقه شکل می‌دهد. ناهمگونی ساختارهای سیاسی هشت کشور خلیج فارس به همان اندازه که بر سیاست خارجی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و بر همکاری‌های منطقه‌ای و به همان میزان بر امنیت خلیج فارس تأثیر گذار است» (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۷۵).

اختلافات درونی میان کشورهای منطقه یکی از مهم‌ترین عوامل ناامنی در منطقه است. این اختلافات هم در روابط ایران و اعراب و هم در روابط درونی اعراب مشهود است. روابط ایران و همسایگانش به شدت از اختلافات شیعه و سنی و ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی رنج می‌برد. موارد دیگر اختلاف بر سر چیرگی و تسلط خلیج فارس بوده است که همواره میان ایران و عربستان و عراق (زمان صدام حسین) نوعی رقابت وجود داشته است.

اختلافات ایران و امارات متحده عربی بر سر جزایر ابوموسی و تنب کوچک و تنب بزرگ، از قبل انقلاب تاکنون و پشتیبانی شورای همکاری خلیج فارس از ادعای امارات از دیگر عوامل اختلاف است. اختلاف درونی میان اعراب و اختلافات مرزی و مواضع ناهمگون در قبال مسأله اسرائیل از جمله مشکلات و موانع ساختاری در روابط اعراب است.

ایران در منطقه خلیج فارس با چند موضوع استراتژیک روبروست:

۱- مسائل امنیت تحمیل شده

نظام جهانی با تضعیف جهان دو قطبی و دخالت آمریکا در خلیج فارس شکل تازه‌ای به خود گرفت. آمریکا سیاست مهار دوگانه را جایگزین سیاست سنتی خود یعنی ترویج موازنه قوا کرده بود. این سیاست به جهت انزوای ایران از معادلات منطقه‌ای در خدمت منافع ایالات متحده بود. در این زمینه برژینسکی با وجود مخالفت با سیاست مهار دوگانه ایالات متحده تأکید می‌کند که: «مبنای سیاست آمریکا در خلیج فارس باید هم چنان مبتنی بر ادامه تعهد و تضمین امنیت متحدان و حفظ جریان نفت باشد» (Brzeinski, 30: 1909). موضوع استراتژیکی حوزه خلیج فارس در مورد ایران؛ امنیت منطقه‌ای و امنیت دسته جمعی است که برای ایران اهمیتی حیاتی دارد. محیط امن زمینه ساز توسعه و محیط ناامن باعث عقب ماندگی است. در عین حال توسعه عامل اساسی در امنیت محیط و امنیت ملی به شمار می‌رود. بنابراین مسئله امنیت در خلیج فارس از موضوعات استراتژیکی است که ایران در منطقه با آن روبرو می‌شود.

با در نظر گرفتن قدرت‌های خارجی و کشورهای منطقه و منافع متضاد و ناسازگار در منطقه بر پیچیدگی‌های امنیت در خلیج فارس افزوده می‌شود حضور قدرت دریایی آمریکا در خلیج فارس، اشغال افغانستان و عراق، تأمین امنیت اعراب و... رژیم صهیونیستی توسط آمریکا از جمله مسائلی است که بر ابهام‌های معمای امنیت در خلیج فارس و منطقه می‌افزاید. اکنون با روند رو به رشد جهانی شدن در نظام بین‌الملل ناامنی در یک منطقه و عدم توازن قدرت‌ها با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خود موجب ناامنی دیگر مناطق خواهد شد. این مسئله امنیت جهانی را نیز مورد پرسش قرار می‌دهد و تروریسم را تحقق می‌بخشد.

۲- مسابقه تسلیحاتی

از دیگر موضوعات استراتژیک که ایران در منطقه با آن مواجه است، مسابقه تسلیحاتی است. مسابقه تسلیحاتی نتیجه چیره خواهی در منطقه است. پس از فروپاشی شوروی استراتژی آمریکا مبتنی بر ایجاد توازن قوا در منطقه و جلوگیری از ظهور قدرت سلطه طلب در منطقه، زمینه ساز مسابقه تسلیحاتی بوده است. از دهه ۹۰ تاکنون کشورهای منطقه ده‌ها میلیون دلار برای ساخت نیروهای مدرن نظامی جهت بازدارندگی و تهدید همسایگان خود هزینه کرده‌اند. در آن خلیج فارس منطقه‌ای است که برای سلاح‌های پیش رفته جنگی بسیار اشتها آور است. منطقه‌ای که مخالفت‌های سیاسی موجود به تداوم مسابقه تسلیحاتی منجر شده است.

«عنصر دیگری که در این جریان سهم دارد، هراس کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از برتری قدرت نظامی ایران پس از صدماتی است که در جریان جنگ خلیج فارس به ارتش عراق وارد کرده است» (امیراحمدی، ۱۳۸۴: ۷۵). به ویژه در جریانات اخیر برنامه‌های جدید تسلیحاتی ایران در کابرد نظامی، این هراس شدت بیش‌تری گرفته است. با وجود این که هزینه نظامی ایران بسیار کم‌تر از کشورهای حاشیه خلیج فارس است ولی در اثر تبلیغات آمریکا، این احساس ناامنی از ناحیه ایران همواره در منطقه رو به افزایش است. این احساس تهدید، شعله ور شدن آتش مسابقه تسلیحاتی را در پی دارد.

«مخرب‌ترین عامل در جهت دست‌یافتن به توسعه سیاسی و اقتصادی شرکت در "بازی تسلیحاتی" است. کشورهای خاورمیانه بیش‌ترین آمار خریدهای تسلیحاتی را به خود اختصاص داده اند. این موضوع از مهم‌ترین عوامل ناامنی در منطقه است و تازمانی که این روند متوقف نشود نه تنها منطقه امن و باثبات نخواهد شد بلکه به‌طور فزاینده شاهد ناامنی خواهیم بود» (ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۱۲). از مهم‌ترین اهداف ایالات متحده و سایر کشورهای تولیدکننده تسلیحات در منطقه، به ویژه در خلیج فارس دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و فروش هر چه بیش‌تر جنگ‌افزار در جهت تأمین منافع این قدرت‌ها است.

د-۲-۲. منابع فرا منطقه‌ای

منظور از عوامل فرامنطقه‌ای به طور خاص تأکید بر نقش ایالات متحده در منطقه است که در شرایط کنونی حضور جدی در منطقه داشته و خواهان ایفای نقش انحصاری در منطقه خلیج فارس است و این مسئله حتی موجب نارضایتی برخی متحدان اروپایی آن شده است. آمریکا در پی جلوگیری ظهور برتری و تسلط توسط کشورهای منطقه است. استراتژیست‌های ایالات متحده معتقدند که آمریکا منافع وسیعی در جلوگیری از ظهور هر قدرت منطقه‌ای دارد.

آمریکا در حکم یک عامل فرامنطقه‌ای همواره درصدد القا تفکر ایران خطرناک و هسته‌ای در جهت به خطر انداختن منافع کشورهای منطقه و جهان است. مخالفت‌های شدید در مورد پرونده هسته‌ای ایران و تهدیدات و همسو کردن افکار عمومی با سیاست‌های توسعه طلبانه و یک جانبه گرایانه خود از دیگر مشکلات فراروی جمهوری اسلامی است.

با فروپاشی شوروی و نیز سقوط کابوس منطقه (صدام حسین) آمریکا درصدد معرفی یک منشأ شر و ناامنی در منطقه است. آمریکا در کنار حذف صدام حسین به تهدید موهوم جدیدی بر ضد امنیت منطقه نیاز دارد. آمریکا در روند کنونی روابط خود با ایران به راحتی می‌تواند ایران را منبع ناامنی برای کشورهای منطقه معرفی کند و ضمن جلوگیری از بهبود روابط ایران با کشورهای

عربی که برای توسعه اقتصادی ایران حیاتی است و با گسترش جو بی‌اعتمادی بین این کشورها زمینه را برای تداوم حضور نظامی خود در منطقه مطلوب نگه دارد «در این زمینه آمریکا نه به دنبال همکاری بلکه به دنبال کنترل انحصاری منطقه است. در همین ارتباط آمریکا با ادامه روابط تنش آلود با ایران به راحتی می‌تواند حضور در منطقه را برای دولت‌های همسایه ایران توجیه کند. برتری آمریکا در خلیج فارس نقش قاطعی در برتری جهانی آمریکا بازی می‌کند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۱۲). به هر حال مسئله مهم این است که حضور آمریکا و اسرائیل در منطقه یک واقعیت است و همان طور که برژینسکی تأکید می‌کند «لازم است همه کشورهای منطقه خلیج فارس این واقعیت مهم استراتژیک را درک کنند که ایالات متحده در خلیج فارس ماندگار است و استقلال و امنیت (انرژی) در منطقه جزو منافع حیاتی آمریکا به شمار می‌رود» (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران، به طور غیرمستقیم تحولات ژئوپولیتیکی را در منطقه به دنبال داشته است. در نگرش نظام بین‌الملل جدید، حاکمیت سیاسی ایران چالش بزرگی علیه محیط بین‌الملل است و برای تغییر و یا تعدیل آن باید بر نقاط ضعف آن فشار آورد. در واقع به نظر می‌رسد برنامه خلع سلاح ایران که به صورت طرحی جامع از سوی نظام بین‌الملل دنبال می‌شود، صرفاً بهانه‌ای برای تغییر فرایند حاکمیت سیاسی و یا حداقل تعدیل آن به نفع اصول و هنجارهای نظام بین‌الملل جدید است. (افضلی، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

ایجاد جمهوریت در ایران آن هم با یک ماهیت دینی کلید موفقیت برای حکومت مرکزی در چرخش مناطق واگرا به مناطق همگرا شد. استقلال‌خواهی و جدایی‌طلبی به چانه‌زنی و سهم‌خواهی در تقسیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های ملی، منطقه‌ای، محلی تغییر یافت. مشارکت مردم قلمروهای حاشیه‌ای با انتخاب نماینده برای مرکز تصمیم‌گیری‌های ملی (مجلس شورای اسلامی) آغاز شد و با تصویب قوانینی به نفع مناطق محروم رو به گسترش نهاد. اوج همگرایی ملی سهم‌بری داوطلبانه در طول جنگ میان ایران و عراق مشاهده می‌شود. دوره‌ای که مفهوم قلمرو مؤثر ملی نه برحسب توسعه اقتصادی بلکه برحسب تمامیت‌خواهی ارضی قلمرو ملی، ادراک شد. استمرار جمهوریت اسلامی در ایران هنوز هم همگرایی ملی را تقویت می‌کند (پیشگاهی فرد، زهرا، ۱۳۸۵: ۹). ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور خلیج فارس و یکی از مهم‌ترین کشورهای تأثیرگذار در منطقه، نیازمند این است که اهمیت ژئوپولیتیک خود را در نظام دگرگون‌شونده جهانی از راه ایجاد پیوندهای گسترده در روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس در ژرفای ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک مشخص سازد و کارایی بیشتری بخشد.

حضور آمریکا در خلیج فارس و اشغال افغانستان و عراق می‌تواند زمینه همکاری ایران با کشورهای منطقه را در مورد منافع مشترک تقویت کند، اما در صورت عدم همکاری و هماهنگی بزرگ‌ترین تهدید علیه امنیت جمهوری اسلامی است. با توجه به سهم زیاد ایران در منطقه، بهترین راهکاری که می‌تواند ایران را از مخمصه انزوا که آمریکا به دنبال آن است، رها سازد، برقراری روابط دوستانه با کشورهای عربی است. روابط دوستانه با این کشورها منجر به فضای اعتمادساز بین دولت‌ها می‌شود، اعتماد میان دولت‌ها به درک اشتراکات منافع و خطر تهدیدات مشترک می‌انجامد، و این درک به نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز پیمان امنیت دسته جمعی باشد. دست یافتن به زمینه‌های مشترک یک پیمان امنیت دسته‌جمعی، باعث برقراری امنیت توسط کشورهای منطقه و ناکارآمد شدن عوامل خارجی در منطقه می‌شود. با توجه به عامل جغرافیایی، اقتصادی و استراتژیک مشترک میان همه کشورهای خلیج فارس، منطقی‌ترین نظام برای پاسداری از امنیت منطقه، سیستمی خواهد بود که همه کشورهای کرانه‌ای را در برگیرد، بدون شرکت هیچ کشور دیگری کشور ما، ایران در شرایطی قرار گرفته است که وحدت ملی و یکپارچگی و اقتدار و غرور ملیش به‌گونه‌ای روزافزون موردسؤال قدرت‌های رقیب قرار می‌گیرد. موقعیت حساس و محوری ایران در قلب منطقه برای ملت ما می‌تواند هم فرصت‌ساز باشد و هم فاجعه‌آفرین. اگر نتوانیم با هوشمندی از فرصت‌های پدید آمده و تحرکات مفید برخی دولت‌ها به نفع خود استفاده کنیم در نهایت دردمندی و نگرانی باید گفت که ممکن است لطمه‌های جبران ناپذیری بر پیکر میهن ما وارد آید برای برکنار ماندن از این لطمات و ترکش‌ها، باید آگاهی‌های خود را به کار گیریم و با شناخت واقعیت‌ها، امکانات و محدودیت‌ها به‌گونه‌ای عمل کنیم که منافع ملی مان حکم می‌کند.

پیشنهادها

مزیت‌های جغرافیایی سیاسی و ژئوپلیتیک کشور زمانی می‌تواند به ایجاد، حفظ و افزایش اقتدار بین‌المللی بیانجامد که در مورد موضوعات مهم ذیل دقت و تلاش کافی صورت پذیرد:

۱- داشتن نگاه راهبردی دائمی: دنیای جدید دنیای هدف‌گذاری، پروژه‌بندی، زماندار بودن و

در امر سیاست، داشتن راهبردهای آشکار یا پنهان در مسائل مربوطه است.

راهبرد، راه رسیدن به اهداف است که با توجه به مجموعه داشته‌ها و قدرت و از جمله موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک و در نظر گرفتن تلفات و خسارات احتمالی و مسئله زمان تدوین می‌شود. در اجرای راهبردها باید از تردید دوری جست. زیرا این امر بر اعتماد به نفس دوستان افزوده و خطوط قرمز را برای دشمنان ترسیم می‌کند. از سوی دیگر، زمان تغییر راهبرد تنها موقعی است که شرایط

به طور کامل عوض شده و برای دستیابی به اهداف به راهبرد یا راهبردهای جدیدی نیاز باشد. داشتن نگاه راهبردی و راهبردهای تعیین شده لازم الاجرا، به گونه‌ای که با تغییرات معمولی مسئولان تغییر نکند از شرایط قطعی افزایش اقتدار بین‌المللی است.

اقتصاد مقاومتی می‌تواند بر خلف وعده‌های غرب در ادامه راه فائق آمده و اعمال تحریم‌های جدید در ادعاهای حقوق بشری، صلح خاورمیانه و مانند آنرا نیز ناکام بگذارد. راهبرد دوری از غرب سلطه‌گر، جدا از ریشه‌های عقیدتی آن، در سال‌ها و دهه‌های گذشته بگونه‌ای تجربی کارائی خود را نشان داده است. تداوم این راهبرد دوستان انقلاب اسلامی را حفظ و سنگرهای جدیدی در اختیار انقلاب قرار می‌دهد.

۲- شناخت دقیق راهبردهای طرف‌های مقابل: شرط پیشبرد راهبردها، آگاهی کامل از

راهبردهای مقابل و تاکتیک‌های دشمن یا رقا است.

به عنوان مثال، امروزه آشکار است که غربیانی که از دستیابی به اهداف خود از طریق حمله نظامی و تحریم‌های اقتصادی ناامید شده‌اند، با بررسی برخی ریشه‌های فکری در جهان عرب، برای مبارزه با امواج انقلاب اسلامی به ایجاد گروه‌های تکفیری مانند داعش، النصره و غیره روی آورده‌اند و راه جلوگیری از نابودی رژیم صهیونیستی و جان به در بردن غرب از امواج انقلاب اسلامی را کمک به ایجاد و تداوم حضور این گروه‌ها می‌دانند. آنها خود می‌گویند که گروه‌های تکفیری خط مقدم غرب هستند و اگر نابود شوند، کار غرب در جهان اسلام تمام است و اضافه می‌کنند که اگر به فرض محال روزی این گروه‌ها برای منافع غرب خطرناک شوند، با آنها کاری را خواهند کرد که با صدام کردند. هم اکنون همگان شاهدند که در عراق آمریکائی‌ها از هر اقدامی برای تضعیف قدرت داعش و بازپس‌گیری مناطق تحت کنترل آنها جلوگیری می‌کنند؛ هرچند در نهایت مجبور خواهند شد واقعیت شکست این گروه‌ها را بپذیرند.

۳- نفت و رژیم صهیونیستی پاشنه‌های آشیل غرب: عبور جریان نفت ارزان به سوی

غرب و امنیت رژیم صهیونیستی دو مسئله مورد نیاز و مهم غرب در منطقه است. شناخت این نیاز و برنامه‌ریزی براساس آن می‌تواند غرب را از زیاده‌طلبی‌هایش باز دارد.

به عنوان مثال، همگان می‌دانند که یکی از دلایل بحران اقتصادی در غرب، افزایش قیمت نفت بوده است. با توجه به اینکه مراکز مهم نفتی در مجاورت ایران قرار دارند، این موقعیت ژئوپلیتیک همیشه زنگ خطری در مقابل ماجراجوئی‌های غرب می‌باشد.

۴- توجه به جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک طرفداران انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی توانست بزودی در نقاط گوناگون و بویژه جهان اسلام هوادار بیابد و حضور خود را در سرزمین‌های مختلف اعلام کند. امروزه از نظر جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، طرفداران انقلاب اسلامی در سراسر این منطقه بزرگ از شرق مدیترانه تا خلیج فارس و آسیای جنوبی پراکنده‌اند و از آن میان لبنان، سوریه، عراق، فلسطین، یمن، شرق عربستان، بحرین و ... آشکارا بازتاب دهنده نفوذ انقلاب اسلامی است و قدرت‌های جهانی چاره‌ای جز پذیرش این واقعیت ندارند. به عنوان مثال، رژیم صهیونیستی که روزی می‌توانست ظرف چند ساعت برخی پایتخت‌های عربی مانند بیروت را اشغال کند، اکنون دیگر از پس گروه‌های اسلامی مانند حزب ا... یا حماس بر نمی‌آید. به طور کلی توجه به این عنصر قدرت باید همواره مورد توجه مجریان سیاست خارجی کشور بوده و قدرت دشمن را با توجه این واقعیات ارزیابی کنند.

۵- توجه ویژه به انرژی هسته‌ای، قدرت دریایی، موشک‌های بالستیک، فضا و ماهواره و قدرت پهپادی: اینها پنج مورد از مهم‌ترین بنیادهای تشکیل قدرت محسوس در دنیای جدید هستند که باید با منابع تشکیل قدرت نرم همراه شوند. خوشبختانه کشور ما از هیچکدام از آنها فروگذار نکرده است. در عین حال باید برای برداشتن خیزهای بزرگ در همه این موارد در آینده برنامه‌ریزی و تلاش نمائیم. در این میان برخی از جغرافیدانان سیاسی معتقدند که در آینده فقط کشورهایی که به انرژی هسته‌ای دسترسی دارند در موقعیت اقتدار بیشتر بین‌المللی خواهند بود. از سوی دیگر، با توجه به اینکه حدود دوسوم سطح کره زمین را آب فرا گرفته است، توجه به قدرت دریایی پیشرفته می‌تواند حضور جهانی برای کشور فراهم کند و این حضور مستقیم می‌تواند تا ۱۲ و حتی ۳ مایلی هر کشور دور و نزدیک بر مبنای میزان اعلام شده آب‌های سرزمینی‌اش باشد. توجه به فضا و ماهواره‌های قدرتمند و موشک‌های بالستیک با برد بلند نیز از الزامات دستیابی به اقتدار بین‌المللی است که نباید در زمینه آنها هیچگونه تردید و کوتاهی صورت گیرد.

۶- توجه به اقتصاد مقاومتی به عنوان کلید حل مسئله هسته‌ای: غرب و بویژه آمریکا به دلیل قدرت جمهوری اسلامی ایران و طرفداران انقلاب اسلامی، از کاربرد موفق زور ناامید گردیده و به اهرم اقتصاد و تحریم پناه برده است. در این شرایط، کلید حل نهائی مسئله در اقتصاد مقاومتی است که خود می‌تواند از طریق تلاش‌های در سطح عالی برنامه‌ریزی شده صورت پذیرد.

اگر اقتصاد مقاومتی را یک وظیفه دینی و ملی تلقی کنیم و آن را به طور اساسی جدی بگیریم، چه توافق نهائی هسته‌ای صورت پذیرد یا صورت نپذیرد، آخرین اهرم غرب علیه ایران اسلامی نیز از دستش خارج شده و مسئله هسته‌ای نیز حل خواهد شد.

در صورتی که توافق هسته‌ای نهایی شود، اقتصاد مقاومتی می‌تواند بر خلف وعده‌های غرب در ادامه راه فائق آمده و اعمال تحریم‌های جدید در ادعاهای حقوق بشری، صلح خاورمیانه و مانند آنرا نیز ناکام بگذارد. علاوه بر این موارد، با توجه به اینکه غربی‌ها ماهیتا و معمولا به تعهدات خود وفادار نیستند و ما قبلا در همین مسئله هسته‌ای آنها را آزموده‌ایم، اقتصاد مقاومتی زمان را در اختیار ما قرار خواهد داد تا در صورت عدم توجه غرب به تعهداتش، با خیال راحت - به دلیل بی‌تاثیر شدن بیش از پیش حربه تحریم - توافق را فسخ کنیم.

Archive of SID

منابع

- احمدی‌پور، زهرا (۱۳۷۹)، ژئوپلیتیک جدید ایران بعد از جنگ سرد، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۹.
- افضل‌ی، رسول (۱۳۸۵) پیامدهای ژئوپلیتیکی یازدهم سپتامبر در منطقه خاورمیانه، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۴)، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران (بخش اول)، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره ۱۲-۱۱ مرداد و شهریور.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۵)، چالش‌های جامعه ایران از منظر جغرافیای سیاسی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷.
- جانعلی‌پور، اسماعیل (۱۳۸۷)، روابط ایران و افغانستان (فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی).
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۳)، تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی: مرز ایران و افغانستان، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۴.
- خیرگزاری فارس، مهناز گودرزی.
- دره‌سگری و سهراب میرحیدر (۱۳۸۳)، ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تاکید بر لزوم فلات قاره و منطقه -انحصاری اقتصادی ایران و کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی، پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۶ شماره ۵۰.
- درودیان، محمد (۱۳۸۲)، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق ۲ اجتناب ناپذیری جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۶۸)، جغرافیای نظامی ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۴)، پیامدهای حضور آمریکا در منطقه، روزنامه رسالت، (۲۶ اسفند).
- رنجبر، مقصود (۱۳۷۸)، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های منطقه‌ای مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۴)، شناخت خلیج فارس در قالب مبانی نظری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دهم، شماره اول و دوم.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۵)، دیپلماسی ایران و تحولات تازه منطقه خلیج فارس، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۱-۲۱۲.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، کتاب امنیت بین المللی ۱: فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول.

- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۴)، کتاب امنیت بین الملل (۳): فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، تهران، سمت.
- شورای غیردولتی روابط خارجی مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر (۱۳۸۲)، کتاب آمریکا (۲) (ویژه سیاست‌های امنیتی ایالات متحده در عراق)، تهران؛ نظارت و تدوین علی عبدالله خانی، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران، چاپ اول.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپولوتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران: نشرنی، چاپ اول.
- Brzeinski Zbigniew and Brent Scowcarft and Richard Morphy, (1909) ,
Differantiad ontaimant .Foreign Affairs. (may/june 1909